

راز قتل دانش آموز کشتی گیر در خانه همسایه

اینا حسین زاده
آفروه حوادث

دانش آموز پسر ۱۵ساله با ضربات متعدد چاقو به قفسه سینه اش به قتل رسید و زن و شوهر همسایه خانواده این نوجوان، به اتهام قتل او دستگیر شدند. به گفته پدر خانواده، متهمان به قتل اعتراف کرده اند اما انگیزه آنها هنوز مشخص نیست و تحقیقات پلیسی برای بررسی این پرونده همچنان ادامه دارد.

□ □ □

امیرحسین عباسی پسر نوجوانی که آرزوهای زیادی برای آینده ورزشی اش داشت، ورزشکار بود و در رشته کشتی فعالیت می کرد و مدال های مختلفی کسب کرده بود اما چندروز پیش توسط دو متهم با انگیزه ای که همچنان تحت بررسی است، به قتل رسید.

پدر امیرحسین در مورد این جنایت به خبرنگار «جام جم» می گوید: «پسرم روز چهارشنبه ۲۹ مهرماه از مدرسه خارج شد تا به خانه برگردد. آن روز پسر کوچکم را از مدرسه آوردم و سپس همسرم سفره را پهن کرد. به همسرم گفتم صبر کنیم تا امیرحسین هم بیاید اما هرچه صبر کردیم، از او خبری نشد. حدود ۲۰ دقیقه منتظر ماندیم که همسرم گفت امکان ندارد امیرحسین در برگشت به خانه تاخیر داشته باشد و بدون اطلاع ما جایی برود. برای همین ماشین را برداشتم و به مدرسه پسرم رفتم. سرایدار گفت آقای قاسمی همه بچه ها رفته اند و امیرحسین هم ساعت ۱۲:۴۵ دقیقه از مدرسه خارج شد. پسرم همراه دوستش آمده و سپس در نقطه ای از هم جدا شده اند تا هرکدام به خانه خودشان بروند. امیرحسین نزدیکی خانه رسیده بود که آن همسایه نامرد پسرم را صدا زد و از او برای جابه جایی وسایل در پارکینگ کمک خواست. پسرم چون مرام پهلوانی داشت و کشتی گیر بود و مقام استانی و کشوری داشت،

از زورگیری قمه به دستان در لواسان تا دستگیری سارقان خودرودر شهری

دستگیری زورگیران قمه به دست در لواسان، شناسایی سارقان گردنبند در پوشش مسافری، کشف قطعات خودروهای سرقتی در جریان بررسی خودروهای تصادفی و دستگیری سارق خودرو در شهری، مهم ترین اخبار پلیس تهران در ۲۴ ساعت گذشته است.

چند روز قبل، ماموران پلیس لواسان در پی تماس یک راننده از تلاش دو موتورسوار برای زورگیری با قمه مطلع شدند. شاکي در تشریح ماجرا به ماموران گفت: هنگام رانندگی، دو موتورسوار با تهدید قمه قصد داشتند مرا متوقف واموالم را سرتقت کنند اما با افزایش سرعت توانستم از دست آنها فرار کنم.

پس از ثبت شکایت، طرح مهار در محدوده اجرا و تمامی خروجی های منطقه تحت کنترل قرار گرفت. دو متهم موتورسوار شناسایی و دستگیر شدند. ماموران در بازرسی از آنها یک قبضه قمه کشف و ضبط کردند. شاکي نیز با حضور در کلانتری، آنها را شناسایی کرد. دو متهم جوان در جریان تحقیقات به جرم خود اعتراف کردند.

مسافركش های لاذبی، متهم به گردنبندقایی

در پرونده دوم، گزارش یک شهروند درباره رفتار مشکوک سه سرنشین یک دستگاه پراید در شهرک آزادی درمحلۀ تهرانسر، ماموران را وارد عمل کرد. با حضور در محل، خودروی مورد نظر را شناسایی و متوقف کردند و دستگیر شدند. متهمان پس از انتقال به کلانتری مدعی شدند برای انجام کاری به آن محدوده آمده اند اما بررسی خودرو، ظن ماموران را برانگیخت. دستگیره های سمت شاگرد خودرو به عمد آسیب دیده و پلاک عقب نیز دستکاری شده بود. معلوم شد متهمان سابقه دار هستند.

ماموران در ادامه تحقیقات به چند پرونده سرقت به

عنف و گردنبندقایی مشکوک شدند که متهمان در آن نقش داشتند. با دعوت از مالباختگان، تعدادی از آنها متهمان را به عنوان سارقان گردنبندهای خود شناسایی کردند. تحقیقات از متهمان در پایگاه پنجم پلیس آگاهی ادامه دارد.

کشف قطعات سرقتی در خودروهای تصادفی

سومین پرونده در اداره دوم پلیس آگاهی تهران

مرد همسرکش به قتل اعتراف کرد

فرمانده انتظامی مرودشت از دستگیری مردی که با سلاح سرد اقدام به قتل همسرش کرده بود، توسط ماموران این فرماندهی خبر داد.

فریبهر مردانی در این باره به سایت پلیس گفت: طی هفته گذشته و درپی وقوع قتل زنی ۳۲ ساله با سلاح سرد (از اتباع یگانه) در یکی از روستاهای شهرستان مرودشت، تحقیقات پلیسی برای رازگشایی از این جنایت آغاز شد. همزمان با حضور ماموران انتظامی در محل و تحقیقات از اهالی معلوم شد که این زن با شوهرش اختلاف های خانوادگی زیادی داشته و بارها صدای مشاجره و درگیری شان



درخواست کمکش را قبول کرد و به پارکینگ رفت تا به آنها در جابه جایی وسایل کمک کند. به محض این که امیرحسین وارد خانه شد، ابتدا زن یک ضربه چاقو به سینه پسرم زد و بعد هم شوهرش ضربه دوم را محکم تر وارد کرد. سپس دهانش را بستند او را در مکانی شبیه به یک انبار یک در یک متر، زندانی کردند و در اهنی را هم قفل کردند. نمی دانم پسرم چندساعت خونریزی داشت اما با همان وضعیت هم تلاش کرده بود خود را نجات دهد اما نتوانسته بود. امیرحسین در شرایطی به قتل رسید که کوله پشتی مدرسه اش هنوز پیشش بود. پس از این که با چاقو به سینه پسرم ضربه زدند، تلاش کردند تا با خفر جایی در پارکینگ، پیکر پسرم را دفن کنند.»

درحالی که زن و شوهر متهم به قتل تلاش می کردند تا آثار جنایت را پنهان کنند، پدر امیرحسین سایر اقوام را از مفقودی پسرش مطلع و از آنها برای یافتن امیرحسین درخواست کمک کرد. آنها جست جوها را از کوه پس کوه چاه آغاز کردند که بی نتیجه بود. موضوع مفقودی را به کلانتری هم اعلام کردند

اشنویه رفتم و پس از بازگشت متوجه شدم خانمی به ماموران گزارش داده بود که در محل شان صداهایی شنیده می شود. آنها درحال حفر زمین بودند تا جسد را پنهان کنند و سپس پایه فرار بگذارند. همین سرخ ما را به امیرحسین رساند. در را زدند اما آنها باز نکردند و وقتی حکم قضایی آمد و وارد شدیم، دیدم همه جابر از خون است. پسرم را داعش وار به قتل رسانده بودند. آنها دستگیر شدند. متهمان به قتل در آگاهی یک بار اعتراف به قتل می کنند و یک بار دیگر می گویند ما نکشته ایم و انگیزه آنها از این جنایت داعش وار هنوز معلوم نیست.»

آن طور که پدر می گوید، متهمان به قتل چندسالی همسایه آنها بودند اما نه هیچ رفت وامدی با یکدیگر داشتند و نه درگیری با مساله ای بین شان ایجاد شده بود؛ «پسر من آقا بود، با دلب بود، چرا باید او را به قتل برسانند. اگر بعضی می گویند که مرد متهم به قتل که ۴۵ ساله است، به دلیل اعتیاد به شیشه و توهم مرتکب قتل شده، چرا سه فرزند پسر کوچک خود را به قتل نرسانده است. توهم، توهم است؛ دیگر چه فرقی دارد. اگر پای توهم در میان بود که باید فرزندان خود را به قتل می رساند چرا قصد جان فرزند مرا کرد. جالب این که مرد متهم به قتل خودش همراه ما دنبال پسرم می گشت و در واقع گمراه مان می کرد. ما فکرش را هم نمی کردیم پشت آن قیافه و ظاهر مثبتش یک هیولای بی رحم خفته باشد که پاره تنم را آن طور تکه تکه کرده باشد. رنشم هم همراه مادرزن، همسر و خواهرانم گریه می کرد و می گفت چقدر امیرحسین پسر خوبی بود. من یک پدر داغ دیده ام که پسر دسته گلی پرپر شده و جگرم سوخته است.

از ملت ایران و شما خواهش می کنم که صدای من باشید. من اشد مجازات را برای متهمان به قتل پسرم خواستارم و از قانون می خواهم او را در ملاء عام اعدام کنند. آنها پسر معصوم مرا کشتند و باید تقاص عمل جنایتکارانه خود را پس بدهند. همه همکلاسی های پسرم به مدرسه رفته اند اما جای پسرم روی صندلی همیشگی اش خالی است و قلبم آتش می گیرد. از دستگه قضا عاجزانه خواهش می کنم که هرچه زودتر تکلیف این پرونده مشخص شده و متهمان به سزای جنایت خود برسند.»

مرد وکیل در یک قدمی چوبه دار

حضانت بچه ها با شوهرم بود. می خواستم بچه ها پیش من باشند، اما شوهرم قبول نمی کرد. به پیشنهاد وکیلم تصمیم به قتل گرفتیم. وکیلیم ۳۰۰ میلیون تومان درخواست کرد تا با دوستش این قتل را انجام دهد. او فردی به نام فرهاد را معرفی کرد که مبلغ ۲۰۰ میلیون تومان گرفت و بعد هم دخترم نیمه شب در را باز گذاشت و آنها وارد خانه شدند و شوهرم را به قتل رساندند.

پس از بازداشت متهمان، پرونده در شعبه دوم دادگاه کیفری استان تهران مورد رسیدگی قرار گرفت. با وجود انکار قتل از سوی متهمان، دادگاه با استناد به شواهد موجود، وکیل را به یک بار قصاص، فرهاد را به ۱۵ سال حبس و زن جوان را به پنج سال زندان محکوم کرد. با گذشت سال ها از این جنایت، متهم ردیف اول اعدام کرد

مدارک جدیدی برای اثبات بی گناهی خود دارد و درخواست اعاده دادرسی داد که با قبول درخواستش، پرونده در شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران رسیدگی شد. در این جلسه، مرد زندانی و وکلایش یک سی دی ارائه کردند که در آن فایل صوتی قرار داشت و فردی ادعا می کرد قاتل، فرد دیگری غیر وکیل است. پس از بررسی این درخواست، رئیس دادگاه اعلام کرد این

دلیل پیش تر نیز مطرح شده بود و برای اعاده دادرسی به دلایل جدیدی نیاز است. در فرصت تعیین شده از سوی قضات، دلیل جدیدی ارائه نشد و درخواست اعاده دادرسی اش رد شد.

طریق دوستم پیام رسید که برای خرید خودروی سرقتی و پلاک جعلی نزد سه نفر بروم. ابتدا نزد دو برادر دزد حرفه ای خودرو رفتم و سه روز بعد با پرداخت ۳۰۰ میلیون تومان خودروی سورن سرقتی را تحویل گرفتم. سپس سراغ مرد جاعل رفتم و بیش از ده ها پلاک جعلی از او خریدم و ۶۰۰ میلیون تومان پرداختم. لوازم تخریب قفل و ابزارهای دیگر سرقت را هم از مرد دیگری با پرداخت ۱۰۰ میلیون تومان خریدم. وی افزود: ۲۰۰ میلیون تومان هم به مردی پرداختم و خانه ای در تهرانپارس اجاره کردم. همدستانم سه مرد و از دزدان حرفه ای خانه ها بودند به من ملحق شدند. با شناسایی خانه مورد نظر، چهار نفری با تخریب قفل در وارد شدیم و اموال را سرقت کرده و متواری شدیم. قصد فروش داشتیم که دستگیر شدیم. با اعتراف او و سه همدستش، تحقیقات ادامه داشت و رد این افراد در جریان سرقت های سریالی از خانه های دیگری هم به دست آمد.

در ادامه تحقیقات مأموران دو فروشنده خودروی سرقتی که برادر بودند را هم شناسایی و دستگیر کردند. آنها در تحقیقات گفتند سال هاست در زمینه سرقت خودرو فعالیت دارند. خودروی سورن را برای این دزدان خانه سفارش گرفته و بعد از سرقت تحویل شان دادند. همان شب خودروی سورن دیگر و پیوپی را هم سرقت کرده و به دو خلافکار فروختم. در این مدت خودروهای مختلف را سفارش گرفته و به خلافکاران و شوتی های فروختم.

صیاد کاخکاز، بازپرس شعبه دهم دادسرای ناحیه ۳۴ تهران، با تأیید این خبر به جام جم گفت: با اعتراف دزدان، تحقیقات از آنها و دو دزد خودروها به خلافکاران و شوتی های فروخته شده، ادامه دارد که فروشنده پلاک های جعلی نیز تحت تعقیب پلیس قرار گرفت.

مرد وکیل در یک قدمی چوبه دار



مرد وکیل در یک قدمی چوبه دار

دستگیری باند سرقت های سریالی



است که سرقت شده است. شاکي و خانواده اش که به سفر رفته بودند به دلیل وجود گریه در خانه اش، کلید را در اختیارم قرار داده بود تا برای سرکشی به

وضعیت گریه و غذا دادن به آن به خانه شان بروم. شب قبل که رفتم دیدم قفل تخریب شده و وسایل خانه به هم ریخته است. ماجرا را به صاحبخانه و بعد کلانتری اطلاع دادم. پیگیر پرونده بودم تا این که فهمیدم سارقان بازداشت شدند. با دیدن اموال کشف شده متوجه شدم از خانه شاکي سرقت شده است. متهمان در بازجویی به سرقت از این خانه اعتراف کردند و معلوم شد مهرشاد سرکرده باند است. او در تشریح ماجرا گفت: چند سال در یک اداره کار کردم و آخر هم مجبور شدم از اردیبهشت امسال آنجا رترک کنم. کار درستی پیدا نکردم تا این که تصمیم گرفتم سارق شوم. دوست قدیمی ام در کار سرقت خانه بود. سراغش را از دوستان دیگرم گرفتم که در زندان بود اما مرا به سه سارق خانه حرفه ای و سابقه دار معرفی کرد.

متهم ادامه داد: سراغ شان رفتم و چون دوستم سفارشم را کرده بودند با من همراه شدند. دوباره از

حوادث

INCIDENT

دوشنبه ۴ آبان ۱۴۰۵ ■ شماره ۷۴۵۲

🕒 کوتاه‌هاژواحت

عقرب‌گزیدگی مرکبار در روستا

دهیار روستای تنگک شهرستان قلعه گنج از مرگ یک دختر سه ساله بر اثر عقرب‌گزیدگی خبر داد. به گزارش خبرگزاری مهر، تصور رئیس در این باره گفت: یک دختر سه ساله در روستای تنگک شهرستان قلعه گنج بر اثر عقرب‌گزیدگی دچار حادثه شد. او به مرکز درمانی انتقال یافت اما در ادامه فوت کرد.

اسیدپاشی زن‌نجیره‌ای به ۸۰ خودرو

دادستان رباطکریم از تشکیل ۸۰ پرونده اسیدپاشی به خودروها در برند و صدور دستور دستگیری عاملان خبر داد. به گزارش خبرگزاری تسنیم، وقوع حوادث سریالی اسیدپاشی در شهر پرنده، موجی از نگرانی را در میان شهروندان این منطقه ایجاد کرده است. محمد یوسفوند، دادستان عمومی و انقلاب شهرستان رباطکریم در این باره گفت: دستورات قضایی لازم برای شناسایی و دستگیری فوری عامل یا عاملان این اقدامات خرابکارانه به فرماندهی انتظامی شهرستان ابلاغ شده است. مراجع قضایی و انتظامی در حال بررسی ارتباط احتمالی میان این حوادث هستند تا مشخص شود موارد گزارش شده به یکدیگر مرتبط است یا با افتادۀ مجرمانه جداگانه‌ای روبه‌رو هستند.

رهایی قاتل پس از ۶ سال

زندانی محکوم به قصاص در کرج پس از شش سال با گذشت اولیای دم و تلاش خیرین از زندان آزاد شد و به زندگی بازگشت. به گزارش خبرگزاری تسنیم، این زندانی محکوم به قصاص نفس که حدود شش سال پیش به دنبال وقوع درگیری در یکی از پارک ها مرتکب قتل شده بود. بعد از دستگیری روانه زندان شد. مدتی بعد از آن محاکمه و به قصاص محکوم شد. این حکم، تأیید و پرونده به اجرای احکام ارسال شد و سرانجام دیروز با فراموش شدن زمینه رضایت اولیای دم و مشارکت مرکز نیکوکاری شهدای زندان های استان البرز قاتل توانست رضایت بگیرد و از قصاص رها شد.

آدم‌ربایی مردان مست

مرد جوان وقتی در بوستان به سه مرد مست که باعث مزاحمت برای خانواده‌ها شده بودند اعتراض کرد، از سوی آنها بروده شد و بعد از شکنجه، بول و گوشی اش به سرقت رفت. به گزارش خبرنگار جام جم، اواسط زمستان سال گذشته مردی جوان با حضور در شعبه نهم بازپرسی دادسرای جنایی تهران از سه مرد جوان به اتهام آدم‌ربایی و سرقت مقرون به آزار شکایت کرد و گفت: برای تفریح به بوستان نزدیک خانه مان رفته بودم. متوجه سه مرد جوان شدم که مست بودند و برای خانواده‌ها یجاد مزاحمت می‌کردند. من و بقیه خانواده‌ها با آن سه مرد حرف زدیم و خواستیم از این رفتارها دست بردارند که توجهی نکردند. وی افزود: مشاجره لفظی میان شکل گرفت اما با میانجیگری چند نفر از حاضران پایان یافت. آنقدر اعتراض کردیم که رفتند. من هم نیم ساعت بعد از بوستان بیرون آمدم و راهی خانه شدم که ناگهان خودرویی مقابلم توقف کرد. همان سه مرد مست بودند. شاکي ادامه داد: راهم را سد و با چاقو مرا به مرگ تهدید کردند. بعد به شدت کتکم زدند و به زور در خودرویشان انداختند و از محل دور شدند. در انتهای بوستان از خودرو بیرون آوردند. مرا میان شمشادها انداختند و به شدت کتکم زدند. بول هایم را برداشتند و گوشی ۱۰۰ میلیون تومانی ام را به سرقت بردند.

خانواده ای مرا یافتند و به بیمارستان رساندند که نجات یافتم. با دستور قضایی، تحقیقات پلیسی آغاز شد و با گذشت نزدیک به ۱۰ ماه از این ماجرا رد مخفیگاه یکی از متهمان در خانه ای جنوب غرب تهران به دست آمد و او بازداشت شد. متهم با انتقال به پلیس آگاهی تهران بازجویی شد و در تشریح ماجرا گفت: سابقه دله دزدی دارم و معناد به قرض و متادون هستم. شاکي را نمی شناسم و آن شب که او می‌گوید در آن بوستان نبودم چه برسد او را برپاییم و اموالش را اسرقت کنم. من مشکل روحی دارم و دیوانه‌ام. شاکي مرا با متهم دیگری اشتباه گرفته است. متهم در مواجهه حضوری با شاکي و شاهدان ماجرا که آن شب در بوستان بودند قرار گرفت و از سوی همه آنها شناسایی شد و گفتند که وی یکی از همان سه متهم فراری است.

عظیم سهرابی، بازپرس شعبه نهم دادسرای جنایی تهران با تأیید این خبر به جام جم گفت: متهم در بازداشت به سری می‌برد و تحقیقات برای رازگشایی از ابعاد پرونده از او ادامه دارد و دو همدستش تحت تعقیب قرار دارند.